



از حقیقت «یس» و «سلام» تا ملکوت آسمانها

حرف «س» قلب «سلام» است که خود، قلب آیه ۵۸ سوره یاسین محسوب می‌شود و همه اسرار از صراط مستقیم تا ملکوت آسمانها در آن مستتر شده است.

حرف «س» قلب «سلام» است که خود، قلب آیه ۵۸ سوره یاسین محسوب می‌شود و همه اسرار از صراط مستقیم تا ملکوت آسمانها در آن مستتر شده است.

جهان آفرینشماه مبارک رمضان، ماه نزول قرآن و ماهی که شب قدر در آن چون قلبی تپنده می‌درخشد، فرصتی است تا از دریچه ای تازه به عمق قرآن کریم بنگریم. سوره مبارکه یس که پیامبر(ص) آن را قلب قرآن نامیده اند، نه تنها راهنمای ما در مسیر ایمان و هدایت است، بلکه هر آیه اش پنجره ای به سوی رازهای توحید، معاد و رحمت الهی می‌گشاید. خبرنگار ایکننا از اصفهان در سلسله گفت و گوهای بی‌مناسبت این ماه با علی اکبر توحیدیان، پژوهشگر قرآنی و دکترای علوم قرآن و حدیث در شماره سی ام به بررسی قلب قرآن و «سلام»، نور، وحی و امر الهی و امام پرداخته است. این مجموعه ۳۰ قسمتی، ما را با پیوند عمیق مفاهیم هدایت، انداز، تقدیر و سبیل السلام در قرآن و همچنین رازهای نهفته در آیات سوره های یس و قدر آشنا می‌کند. ایکننا - با توجه به مباحث پیشین درباره آیه ۵۸ سوره مبارکه «یس» و ارتباط آن با حقیقت «سلام» و قلب قرآن، توضیح دهید که چه نکاتی درباره اسرار این آیه وجود دارد و چرا برخی آن را قلب قرآن می‌دانند؟

همان گونه که قول داده بودیم، نکاتی درباره تکمیل تفسیر آیه ۵۸ سوره مبارکه یس عرض می‌کنیم. با توجه به نظرات متعدد ادبی، لغوی و نحوی که درباره این آیه شریفه مطرح شده است و نیز ترجمه ها، تفاسیر و تأویلات متعدد، هم راستا و مکمل یکدیگر، بخشی از این نکات را بیان می‌کنیم.

پیش تر اشاره شد که به نظر بسیاری از مفسران صاحب‌دل، این آیه شریف، قلبِ قلبِ قرآن محسوب می‌شود و به استناد «لِکَلِّ شَیْءٍ قَلْبٌ»، قلب خود این آیه، کلمه ملکوتی «سلام» است.

شاید بتوان گفت که قلب «سلام»، حرف «س» و این «س» همان حرف «سین» موجود در حروف مقطعه نام سوره، یعنی «یس» و در نهایت، همه اسرار در همین «س» مستتر است. چون اولاً، در متن حدیث آمده «لکل شیء» پس این واقعیت شامل خود کلمه «سلام» هم می‌شود. ثانیاً، در سایر حروف کلمه سلام، ویژگی های خاص و منحصر به فردی که در حرف سین می‌شناسیم، وجود ندارد که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

در صورتی که در «یاسین»، «یا» را حرف ندا بگیریم، حرف «سین» تنها حرفی است که در مقام منادی واقع شده: (یا سین) هیچ حرف دیگری این ویژگی را ندارد.

حرف سین، دوازدهمین حرف در حروف تهجی، در ابجد کبیر معادل ۶۰ و در ابجد صغیر معادل شش است. حرف سین، حرف سرّ است؛ حرف سجده، اقرب حالات عبد در عبودیت، حرف سین در اسم، بسمله، رسالت، انسان، سموات، سیر آفاق و انفس، اسراء، سدره المنتهی، سعی، سعه، سرور، سکینه، سینا و سینین، موسی و عیسی، سیوح و قدوس، اسحار، اسماء الحسنی و یا در ناس، آخرین کلمه در آخرین سوره قرآن و فراوان کلیدواژه دیگر که همگی حاوی اسرارند. گفته اند که سین، حرف تعادل است. به شکل کلمه «انسان» توجه کنید؛ «س» میان دو «ان» قرار دارد: (ان + س + ان)

از سویی، حرف «س» تنها حرفی است که در اسرار ابجدی، نام و صدایش متعادل و به بیانی دیگر، مضاعف شمرده می‌شود. توجه کنید: نام (س) ۶۰ و صدای (سین) دو برابر، یعنی ۱۲۰ می‌شود: (س برابر با ۶۰ + ین برابر با ۶۰ = ۱۲۰)

حرف «س» آغازگر سلم و سلام است. حرف صراط (سراط) المستقیم است. «س» در همه جا می‌تواند، سین سَنّا یعنی به معنای نور باشد (يَكَاذُ سَنَّا بَرَقَهُ يَدَّهَبُ يَالْبَصَارَ؛ سوره نور/ آیه ۴۳) و موارد فراوان دیگر. «سَنّا» از مفردات فرید است، یعنی فقط همین یک جا در قرآن آمده است.

علاوه بر این نکات، به آیه شریفه ۱۳۰ سوره مبارکه صافات توجه کنید: «سَلَامٌ عَلٰی آلِ يَاسِيْنَ» که دو واژه «سلام» و «یاسین» را یک جا در خود دارد. شاید این همان سین سیدالمرسلین، سین سیده نساء العالمین، سین سرّ الله و سیف الله و ساقی کوثر، سین حسن، سین حسین و یا این سین، همان حسین بی سر است یا سین هر حقیقت دیگری و یا نور همه حقایق عالم باشد،

الله اعلم.

ایکنا - مفهوم نور در قرآن و رابطه آن با وحی و مشاهده عالم معنا چگونه است و چرا خود نور از مصادیق جهان نامرئی محسوب می شود؟

نور و نوع خاص آن (سنا) از مهم ترین آفریده های خداوند محسوب می شود. حتی حقیقت وحی در کتب آسمانی، به ویژه وحی قرآن، ابتدا به صورت نور بوده که بر قلب مبارک پیامبر اکرم(ص) نازل شده و سپس به الفاظ تبدیل شده است.

«وحی» می تواند مقلوب «حیو» از «حی» به معنای زنده باشد؛ نور، روح و حیات از یک مقوله اند که در قاموس فکری و علمی محدود بشر از هم تفکیک شده اند. الفاظ وحیانی نیز حاوی نوعی از نور در مرتبه ای نازل تر از ابتدای خلقت خود بوده و هستند.

یکی از اوصاف خود قرآن، «نور» است. «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...»؛ خداوند نور آسمان ها و زمین است. (سوره نور/ آیه ۲۵) سوره مبارکه «نور» سوره ای عمیق و ویژه به شمار می رود، خصوصاً آیات ۲۵ و ۴۳ این سوره که نشان می دهد، نور با اینکه همه چیز را مرئی می کند، خود از مصادیق جهان نامرئی است و دیده نمی شود: «... يَكَاذُ سَنَا بَرْقُهُ يَذْهَبُ يَأْتِ بِالنُّورِ...»؛ نزدیک است درخشندگی برقیش دیده ها را کور کند. (سوره نور/ آیه ۴۳) نور، واسطه دیدن اشیاست و در عالم معنا نیز آثار و فواید معنوی آن و نه خود نور مشاهده می شود.

ایکنا - مفاهیم «دارالسلام»، «سبیل السلام» و «صراط مستقیم» چگونه در آیات گوناگون قرآن با هم ارتباط پیدا می کنند؟

در آیه ۵۸ سوره «یس»، «سلام» با آیات پیشین ارتباط دارد که ناظر به بهشت موعود است، همان گونه که در آیه ۱۲۷ سوره مبارکه «انعام»، بهشت «دارالسلام» نامیده شده: «إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَكَاهُونَ، هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرْنَابِ مُتَّكِئُونَ، لَهُمْ فِيهَا قَاقِئَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدْعُونَ، سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ؛ همانا بهشتیان در چنین روزی در سرگرمی وصف ناپذیری شیرین کام و خوش اند. آنان و همسرانشان در زیر سایه هایی بر تخت هایی تکیه می زنند. برای آنان در آنجا میوه ها و آنچه دلشان بخواهد، فراهم است. با سلام که گفتاری از پروردگاری مهربان است.» (سوره یس/ آیات ۵۵ و ۵۸)

همچنین «وَهَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ، لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُمْ وَلِيَّهُمْ يَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ و این راه راست پروردگار توست، ما آیات را برای گروهی که متذکر می شوند، بیان کردیم. برای آنان نزد پروردگارشان خانه سلامت و امن است و به پاداش کارهای پسندیده ای که همواره انجام می دادند، یار و سرپرست آنان است.» (سوره انعام/ آیات ۱۲۶ و ۱۲۷)

ارتباط «دارالسلام» با «صراط مستقیم» در سوره یونس نیز مشاهده می شود: «وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرًا أَوْ لُبًّا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛ و خدا به سرای سلامت و امنیت دعوت و هر که را بخواهد، به راهی راست هدایت می کند. برای کسانی که نیکی کردند، پاداش و افزون بر آن است و چهره آنان را سیاهی و خواری نمی پوشاند، آنان اهل بهشت و در آن جاودانه اند.» (سوره یونس/ آیات ۲۵ و ۲۶)

ترکیب تعبیر «سبیل السلام» در کنار «صراط مستقیم»، «نور» و «کتاب» نیز قابل توجه است: «... قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ...؛ بی تردید از سوی خدا برای شما نور و کتابی روشننگر آمده است. خدا به وسیله آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه های سلامت راهنمایی می کند و آنان را به توفیق خود از تاریکی ها به سوی روشنایی بیرون می آورد و به جانب راه راست هدایت می کند.» (سوره مائده/ آیات ۱۵ و ۱۶)

«سبیل السلام» به معنای راه های امن و ایمن در دنیاست که به صراط مستقیم منتهی می شود و نتیجه حرکت انسان در آن ها، بهشت موعود است: «... وَأَبشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ، تَحْنُ أُولِيَاءُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا اشتهَيْتُمْ أَنفُسِكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا تَدْعُونَ، نَزَلًا مِنْ عَفْوِ رَبِّكُمْ، وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا...»؛ و ای کسانی که در دنیا و آخرت، یاران و دوستان شما هستیم، آنچه دلتان بخواهد، در بهشت برای شما فراهم است و در آن هر چه را بخواهید، برای شما موجود است. رزق آماده ای از سوی آمرزنده مهربان است و کیست خوش گفتارتر از کسی که... و گوید: من از تسلیم شدگان هستم.» (سوره فصلت/ آیات ۳۰ و ۳۳)

جامعیت و وسعت شمول «سلام» شامل بالاترین نعمات و والاترین مواهب معنوی است؛ صحت و عافیت، ایمنی و امنیت، موافقت و موفقیت، تهنیت و تحیت و فاقد هرگونه نقم و محنت است: «... وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ...؛ و در آنجا آنچه دل ها می خواهد و چشم ها از آن لذت می برد، آماده است و شما در آن جاودانه اید.» (سوره زخرف/ آیه ۷۱) تمام این نعمات در پرتو رحمت و وسعت رحیمیه حاصل می شود، زیرا واژه «رحیم» هم می تواند صفت مشبیه باشد و هم صیغه مبالغه.

به این ترتیب، آیه ۵۸ سوره یس جامع تر از آیه ۳۲ سوره فصلت است و به حق، سوره مبارکه یس، ریحانة القرآن و قلب قرآن کریم لقب گرفته است.

ایکنا - آیات ۸۲ و ۸۳ سوره یس چگونه با جامعیت «سلام» در آیه ۵۸ و جایگاه یس با عنوان قلب قرآن مرتبط است؟

دو آیه پایانی، به ویژه آیه پایانی این سوره نیز از آیات برجسته قرآن هستند و برخی بزرگان تفسیر و عرفان، دلیل نام گذاری سوره به قلب قرآن را به ویژه به آیه پایانی نسبت داده اند: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ؛ شأن او این است که چون پدید آمدن چیزی را اراده کند، فقط به آن می گوید: باش، پس بی درنگ موجود می شود.» (سوره یس/ آیه ۸۲) و «قَسِيحَانَ الَّذِي يَبْدُوهُ مَلَكَوْتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ پس منزّه است خدایی که مالکیت و فرمانروایی همه چیز به دست اوست و به سوی او بازگردانده می شوید.» (سوره یس/ آیه ۸۳)

این دو آیه بر سه محور استوارند: امر، کن فیکون و ملکوت. امر پروردگار، زمانی و مکانی نیست و همان اراده اوست. کلمه «کن» از جنس لفظ نیست، بلکه از جنس اراده و مشیت و عین تحقق خارجی و عالم تکوین است.

همچنین، موجودات دارای دو وجه هستند: وجه خلقی و وجه امری (الهی): «... أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ...؛ آگاه باشید که آفریدن و فرمان مخصوص اوست، همیشه سودمند و بابرکت است پروردگار عالمیان.» (سوره اعراف/ آیه ۵۴) وجه خلقی همان تغییر، تدریج، فساد و نابودی و وجه امری همان ملکوت و واقعیت، ثبات و هستی محض است. جنبه خلقی موجودات، مدیون جنبه امری و ملکوتی آن هاست و ادراک ملکوت موجودات فقط برای اهل یقین ممکن است: «وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكَوَتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لِيَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ و این گونه فرمانروایی و مالکیت و ربوبیت خود را بر آسمان ها و زمین به ابراهیم نشان می دهیم تا از یقین کنندگان شود.» (سوره انعام/ آیه ۷۵)

به استناد آیه شریفه «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ؛ و برخی از آنان را چون صبر کردند و همواره به آیات ما یقین داشتند، پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند» (سوره سجده/ آیه ۲۴)، امامانی برگزیده شدند که هدایت مردم به امر الهی بر عهده آن هاست. وجه امری و ملکوتی موجودات، در مشهد امام که مصداق اتم وجه الله است، حاضر است و لحظه ای از او غایب نیست.

در همین راستا، در تفسیر سوره قدر و روایات متعدد، تصریح شده است که صاحب شب قدر امام است و در آن شب، فرشتگان و روح بر او فرود می آیند و کتاب تقدیر را نزد او می گشایند و مجاری امور به اذن الله به او سپرده می شود.

شیخ مفید(ره) با اسناد نقل می کند که امام جواد(ع) از پدران خود و از امیرالمؤمنین(ع) از پیامبر اکرم(ص) نقل کرده است: «أَمِيئُوا لَيْلَةَ الْقَدْرِ فَإِنَّهُ يَنْزِلُ فِيهَا أَمْرًا لَيْسَ بِهِ وَأَنْ يَذَلِكِ وَتَأَهُ مِنْ بَعْدِي؛ عَلِيٌّ ابْنُ أَبِي طَالِبٍ وَأَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِي؛ باور دارید شب قدر را، در این شب تقدیر امور سال فرود می آید. برای این شب، پس از من نیز صاحبانی هست. صاحبان این شب پس از من، علی بن ابیطالب(ع) و ۱۱ فرزند او هستند.»

با این شرح مختصر، وجوه تشابه دیگری از دو سوره یس و قدر مکشوف شد و جلوه ای دیگر از جلوات حیات، میان سوره مبارکه یس با عنوان قلب قرآن و لیلۃ القدر به مثابه قلب ماه رمضان شامل حقیقتی موسوم به ولایت علوی، فاطمی و مهدوی تجلی کرد و رخ نمود .
ایکنا - و سخن پایانی.

امیدواریم بیان این مباحث و نکات تفسیری، اخلاقی و عرفانی، حتی به صورت مختصر بتواند برای مخاطبان گرامی، مفید و روشنگر باشد و دریچه ای نو به معارف قرآنی و اسرار نهفته در آیات شریفه قرآن عزیز باز کند. بی تردید عمق و گستره این معارف بسیار فراتر از آن است که در فرصت محدود یک گفت و گو بتوان تمامی ابعاد آن را بررسی کرد و ما از ضیق وقت و ناکافی بودن فرصت و البته قلت دانش بنده، برای شرح کامل تر این مطالب صمیمانه پوزش می طلبیم.

ان شاءالله در گفت و گوها و مباحث آینده، بتوانیم به تبیین بیشتر و دقیق تر این نکات بپردازیم و ابعاد گسترده تری از معارف قرآن و اهل بیت(ع) را برای علاقه مندان روشن کنیم.